

چیستی اخلاق پزشکی؛ بایدها و نبایدها

سعید نظری توکلی^۱، نسرین نژادسروری^{۲*}

مقاله‌ی مروری

چکیده

معضلات اخلاقی حاصل از پیشرفت‌های تشخیصی و درمانی نوین در علم پزشکی، ضرورت پرداختن به اخلاق پزشکی را صد چندان کرده است. اخلاق پزشکی یک «علم» است، از این رو، با روش و معیار علمی سروکار دارد. لازمه‌ی محقق شدن اهداف هر علم تعریف دقیق و رفع ابهامات پیرامون آن است. با وجود تعریف‌های مختلف ارائه شده در ارتباط با علم اخلاق پزشکی هنوز پاره‌ای از مسائل هم‌چنان در هاله‌ای از ابهام مانده است. بخش مهمی از دانش ما، پاسخ به چیستی‌هاست و این پاسخ چیزی جز تعریف نیست. تعاریف، قسمت عمده‌ی ادراکات ما را شامل می‌شوند و نمی‌توان از به‌کارگیری آن خودداری کرد.

این مقاله‌ی مروری حاصل یک پژوهش توصیفی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مطالعه‌ی کتب معتبر و جست‌وجو در منابع اینترنتی و مقالات مرتبط خارجی استفاده شد. این نوشتار ضمن تأکید بر لزوم تبیین تعریف علم و ویژگی‌های تعریف منطقی، برخی از تعاریف علم اخلاق پزشکی را ارزیابی کرده و با اشاره به نقاط ضعف موجود در آنها، ضرورت ارائه‌ی تعریف منطقی از این علم و ملاحظات لازم را متذکر می‌شود.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی، اخلاق، تعریف

^۱ استادیار، دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی PhD اخلاق پزشکی، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، مجتمع بیمارستانی امام خمینی (ره)، دانشگاه علوم پزشکی تهران

* نشانی: تهران، مجتمع بیمارستانی امام خمینی، تلفن: ۰۹۱۲۷۹۹۳۷۹۸، Email: n-nejadsarvari@farabi.tums.ac.ir

مقدمه

پرسش، جست‌وجوی بشر برای شناختن است و یکی از مهم‌ترین انواع آن، پرسش از چیستی اشیا و مفاهیم است (۱). پرسش از چیستی، یعنی پرسش از حقیقت شی؛ (۲) و جهت دستیابی به آن باید تصویری کامل از آن مفهوم پیدا کنیم که این خود از طریق تجزیه و تحلیل آن به مفاهیم روشن‌تر قابل دسترسی است. این نوع ادراک که «تصوری مجهول با کمک تصویری معلوم تبیین می‌شود» را تعریف می‌گویند (۲).

واژه‌ی تعریف، نزدیک ۲۵۰۰ سال است که شاید پیش از هر اصطلاح دیگر منطق ارسطویی به کار رفته، اما ماهیت آن کم‌تر از سایر اصطلاحات منطق آشکار شده است (۳). حقیقت شی تابع جنس و فصل آن است و دانشی که از جنس و فصل گفت‌وگو می‌کند، منطق است (۴). به کار بردن تعاریف کلی از پیشرفت‌های علم منطق است که ارسطو (۳۸۴-۳۲۴ ق.م) به سقراط (۴۶۹-۳۹۹ ق.م) نسبت داده است (۴). سقراط بیش‌تر وقتش را به توضیح چیزها می‌پرداخت (۵).

افلاطون (۴۲۸-۳۴۸ ق.م) معتقد بود که کشف تعاریف از وظایف اصلی علم فلسفه می‌باشد (۶). در اروپا تأکید بر اهمیت وضوح، زبانی نخست توسط Descartes René و پس از او توسط فیلسوفان تجربی انگلیسی چون Thomas Hobbes ، John Locke ، George Berkeley و David Hume (۱۷۷۶-۱۷۱۱) مطرح شد (۴). این سنت، با توجه دقیق به کارکرد الفاظ و مفاهیم همراه بود و با نوشته‌های Ludwlg Josef Johann Wittgenstein تقویت شد و با گسترش فلسفه‌های پردازش زبانی اهمیت بیش‌تری یافت. از معروف‌ترین کتاب‌های منطقی در زمینه‌ی تعریف در اروپا «منطق غیرصوری»، «منطق عملی» و «اندیشه‌ی انتقادی» René Descartes را می‌توان نام برد. در حالی که در جهان اسلام، دانشمندانی چون ابن‌سینا در «رساله‌ی الحدود» و خواجه نصیرالدین طوسی در «اساس الإقتباس» بیش‌ترین کوشش را

در تدوین قوانین تعریف صرف کردند (۴).

از دیگر سوی، هرچند تصور بر آن است که اخلاق پزشکی از زمان بقراط پا به عرصه‌ی دانش بشری گذاشته، اما حق آن است که این علم قدمتی طولانی‌تر از بقراط و سوگندنامه‌ی آن دارد (۷). با این وجود، از سال ۱۹۶۰ مسائل اخلاقی در مراقبت بهداشتی، به‌طور بی‌سابقه‌ای افکار عمومی را به خود مشغول کرد؛ مسائلی هم‌چون ماشین دیالیز، تنفس مصنوعی، پیوند اعضا، تکنیک‌های تولید مثل، روش‌های پیشگیری از بارداری، تست‌های پری‌ناتال، سقط جنین، تداوم حیات بیمارانی که امکان برگشت هوشیاری را ندارند، از مهم‌ترین آن‌ها هستند (۷). از این زمان به بعد، اخلاق پزشکی و الزامات آن به شکل‌های مختلفی مطرح شد. در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی، تحولات جدیدی به وجود آمد، John Gregory فیلسوف اسکاتلندی، همدردی کردن^۱ را لازمه‌ی یک پزشک اخلاقی دانست (۷). امروزه، دیدگاه‌های مراقبتی به‌عنوان نخستین ساختار این علم مطرح هستند که نمودی از آن را می‌توان در فمینیسم و پرستاری در اخلاق مشاهده کرد (۷). به هر حال، از آن‌جا که در هر علم ابتدا باید موضوعات مورد بحث در آن علم مشخص شود تا بعد از آن به مسائل پیرامونی آن موضوعها پرداخته شود (۲)، ارائه‌ی تعریفی جامع از اخلاق پزشکی که ناظر به موضوعات و مسائل این علم است، ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که با روشن شدن مفاهیم پایه‌ی جایی برای بسیاری از مجادلات باقی نمی‌ماند (۸).

اما باید به یاد داشت که «اخلاق پزشکی» دانشی میان‌رشته‌ای است که با علوم مختلفی هم‌چون اخلاق، حقوق، دین‌شناسی و فلسفه در ارتباط است. به همین خاطر توجه به این حوزه‌ها و مسائل مرتبط با آن‌ها در تعریف اخلاق پزشکی اجتناب‌ناپذیر است (۹).

اخلاق پزشکی یک علم است، از این رو، می‌باید با روش

¹ Sympathy

مفهومی روشن و واضح دارند (معرف)، حقیقت آن چه تعریف می‌شود (معرف) را برای دیگری بیان کند. ارسطو^۱ (قرن ۴ ق.م) در این ارتباط چنین می‌گوید: «حد قولی است که بر ماهیت شیء دلالت می‌کند» (۳). افلاطون^۲، تعریف را به سه شکل بیان کرده است: ۱- بیان اندیشه به یاری اصوات و کلمات، ۲- برشمردن جزئیات و رسیدن از جزئیات به کل، ۳- بیان خصوصیتی که چیزی را از دیگر چیزها جدا می‌کند (۳).

John Locke معتقد است: تعریف بدین معناست که توسط الفاظ به دیگری بفهمانیم که معرف دال بر چه معنایی است (۳). Wittgenstein (۱۸۸۹-۱۹۵۱) تعریف را قواعد ترجمه از یک زبان به زبان دیگر می‌داند (۳). از نظر Baruch Spinoza، تعریف حقیقی شیء، مستلزم چیزی نیست جزء طبیعت شیء مورد تعریف (۳).

فواید تعریف

هر علم، از قضایای متناسب و مرتبطی بحث می‌کند که هدف نخست از یادگیری و یاددهی آن علم، حل آن قضایا، یعنی اثبات محمول‌های آن‌ها برای موضوع‌هایشان است (۱۰). پس در هر علمی فرض بر این است که موضوعی وجود دارد و می‌توان محمول‌هایی را برای اجزاء یا افراد آن اثبات کرد. بنابراین، پیش از پرداختن به طرح و حل مسائل هر علمی، نیازمند شناخت‌های قبلی‌ای هستیم هم‌چون: شناخت ماهیت و مفهوم موضوع، شناخت وجود موضوع و شناخت اصولی که به‌وسیله‌ی آن‌ها مسائل آن علم ثابت می‌شود. این‌گونه مطالب را «مبادی علوم» می‌نامند و آن‌ها را به مبادی تصویری و تصدیقی تقسیم می‌کنند (۱۰). مبادی تصویری که همان تعاریف و بیان ماهیت اشیاء مورد بحث است، معمولاً در خود علم و به صورت مقدمه مطرح می‌شوند، اما مبادی تصدیقی علوم، مختلف‌اند و غالباً در علوم دیگری مورد بحث قرار

و معیارهای متعارف در علم با آن برخورد کرد. بدون شک، لازمه‌ی محقق شدن اهداف هر علمی، ارائه‌ی تعریف دقیق از آن علم و رفع ابهامات پیرامونی آن است. هرچند تاکنون تعریف‌های گوناگونی از اخلاق پزشکی در کتاب‌ها و مقالات منتشر شده به زبان‌های مختلف ارائه‌شده، اما هیچ‌کدام از آن‌ها نتوانسته در شناساندن حقیقت این علم تا حد قابل قبولی مؤثر باشد. این مقاله، با ارائه‌ی کلیات مرتبط با تعریف و اهمیت آن در تبیین چستی، به بررسی مصادیقی از تعریف علم اخلاق پزشکی می‌پردازد و ضمن اشاره به نواقص موجود در آن‌ها، نکات لازم در خصوص تعریف این علم را یاد آور می‌شود.

روش کار

این مطالعه‌ی توصیفی با هدف ارائه‌ی ملاحظات لازم در تبیین چستی اخلاق پزشکی انجام شد. در ابتدا با رجوع به کتب و منابع معتبر منطق، به جست‌وجوی مفاهیم مرتبط، فواید، انواع و ویژگی‌های یک تعریف منطقی پرداخته شد. سپس جهت جمع‌آوری تعاریف اخلاق پزشکی از کتب مرجع و معتبر انگلیسی در حوزه‌ی اخلاق زیستی پزشکی و منابع معتبر اینترنتی با استفاده از کلیدواژه‌های *definition of medical ethics, medical ethics* استفاده شد. تعاریفی که صراحتاً در خصوص اخلاق پزشکی ارائه شده بودند را جمع‌آوری و پس از ترجمه‌ی دقیق؛ آن‌ها را از منظر علم منطق مورد تحلیل قرار دادیم.

مفهوم شناسی «تعریف»

«تعریف» در لغت به‌معنای شرح، بیان و توصیف است. معادل انگلیسی آن، *definition* است که از واژه‌ی ترکیبی *de-fino* به‌معنای «حدود یک چیز را مشخص کردن گرفته شده است (۵).

«تعریف» در اصطلاح علم منطق عبارت است از «روشن کردن مجهول تصویری به‌وسیله‌ی معلوم تصویری، چه آن‌چه تصورش مجهول است، لفظ باشد یا شیء یا مفهوم (۳). بر این اساس، تعریف‌کننده در صدد است با استفاده از واژگانی که

¹ Aristotle

² Plato

می‌گیرند (۱۰). «تعریف» در واقع نوعی ادراک است که طی آن، تصویری مجهول با کمک تصویری معلوم، تبیین می‌شود. ژان لاک در سه قرن پیش بر این نکته تأکید کرد که در بیش‌تر موارد، دانش بشر با استفاده از کلمات بدون مفهوم مشخص، مختل می‌شود (۱۱). مقصود از «تعریف»، شناساندن معرف و تشخیص آن از موارد مغایر است (۱۲).

علمی که به بیان معنای تعریف، درستی و نادرستی و حدود «تعریف» می‌پردازد، علم منطق است. هدف علم منطق، شناسایی خطاهای ممکن در به دست آوردن علم و نشان دادن چگونگی درست فکر کردن است (۱۳). بر این اساس، هدف از تعریف در منطق، به دست آوردن حقیقت و چیستی اشیا با استفاده از مفاهیم کلی موجود در ذهن است. به عبارت دیگر، تعریف‌کننده (معرف)، موجب می‌شود تا عقل، تصویری تفصیلی از شی پیدا کند (۱۳). هم‌چنین، تعریف می‌تواند موجب صرفه‌جویی در وقت، بالا بردن قدرت استدلال و برقرار کردن ارتباط مؤثر با دیگران شود (۱۱).

انواع «تعریف»

انسان در برخورد با موارد جدید، مراحل مختلفی از تصور را طی می‌کند. در ابتدا با مواجه با لفظ وضع شده، به دنبال تعریف لفظی یا معنای لغوی آن در کتب لغت می‌رود. پس از آشنایی با معنای لغوی، درصدد بر می‌آید تا با بهره‌گیری از تعریف حقیقی از حقیقت آن چیز آگاه شود (۱۱) و این همان چیزی است که علم منطق عهده دار بیان آن است، زیرا جایگاه تعریف لغوی در علم لغت است (۱۳).

از آن‌جا که می‌توان برای تعریف بنا به میزانی که حقیقت اشیا را آشکار می‌کند، هم‌چنین نیازی که خواننده به اطلاعات دارد تقسیم‌های مختلفی در نظر گرفت، منطق‌دانان تقسیم‌های گوناگونی برای تعریف بیان کرده‌اند (۱۴).

از یک نگاه «تعریف» به پنج نوع تقسیم می‌شود:

۱- لغوی (lexical)، که به بیان معنای لغوی واژه‌ها می‌پردازد (۱۳، ۱۱).

۲- تصریحی (stipulative): در این نوع تعریف، واضع لغت برای واژه‌ای که نخستین بار به کار می‌رود، معنایی را بدون توجه به معنای عرفی، تعیین می‌کند؛ نظیر تعریف‌هایی که برای واژگان اختصاری هم‌چون: «ناجا»، «اوپک» وضع می‌کنیم یا تعریف‌هایی که برای برخی اصطلاحات علمی قرارداد می‌کنیم، مانند تعریف اندازه‌ی حرکت به «حاصل ضرب جرم در سرعت» (۱۲).

۳- ابهام‌زدا (تدقیقی) (precising): مجموعه‌ای از دو تعریف لغوی و قراردادی است که با تعریف لغوی آغاز و با تعریف قراردادی، دامنه‌ی آن محدودتر و واضح‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، برای واژه‌ای که در عرف معنای روشنی دارد، حالت خاصی از آن معنا را برای آن در نظر می‌گیریم؛ مانند واژه‌ی هوش که معنای آن در روانشناسی خاص‌تر از معنای عرفی آن است.

۴- نظری (theoretical): منظور از آن، تعریف واژه‌ی وابسته به یک کاربرد آن در یک نظریه است، نظیر تعریف جاذبه به نیروی کشش بین دو جرم که تنها در چارچوب نظریه‌ی مکانیک نیوتنی قابل تصور است (۱۳، ۱۱).

۵- قانع‌کننده (persuasive): این تعریف، دقت منطقی نداشته و برای ایجاد توجه احساسی شنونده به یک موضوع بیان می‌شود، مانند تعریف واژه‌ی سوسیالیسم به جامعه‌ی بی‌طبقه.

از یک نگاه دیگر، «تعریف» را به دو نوع: بسیط (extension) و ضمنی (intension) می‌توان تقسیم کرد.

۱- در تعریف بسیط (تفصیلی)، فرایند تعریف از طریق ایراد مثال انجام می‌شود (۱۳).

۲- تعریف ضمنی خود دارای سه نوع ذهنی (subjective)، عینی (objective)، قراردادی (conventional) است.

- تعریف ذهنی، تعریفی شخصی است که بسته به فهم افراد تغییر می‌کند؛
- در حالی که تعریف عینی در مقابل این‌گونه

تعریف قرار دارد (۱۳).

• تعریف قراردادی خود شامل تعریف مترادف (synonymos) و تعریف عملی (operational) است. تعریف مترادف به ایراد الفاظ هم‌معنی برای مورد تعریف می‌پردازد؛ اما تعریف عملی یک واژه برای موردی خاص به‌کار می‌رود، اگر و فقط اگر اجرای عملیات خاص در آن مورد، نتیجه‌ی خاص بدهد (۱۳).
اگر تعریف مترادف یا تعریف عملکردی مناسبی نداشته باشیم، از تعریف به جنس و فصل استفاده می‌کنیم. در کتاب‌های منطق، تعریف به دو دسته‌ی کلی؛ تعریف به حد^۱ و تعریف به رسم^۲ تقسیم می‌شود، که هر یک به دو قسم تام و ناقص تقسیم می‌شوند (۱۴، ۸). البته برخی از منطق‌دانان، افزون بر این، تعریف به تمثیل (مصادیقی) و تعریف به تشبیه و تعریف به وسیله‌ی استقراء را نیز از انواع تعریف بر شمرده‌اند (۳). هرگاه تعریفی بر ماهیت و حقیقت شی دلالت داشته، دربرگیرنده تمام ذاتیات یک شی باشد، به آن حد تام می‌گویند (۱۲)؛ اما اگر تعریف تمام اجزای ماهیت را بیان نکرده، تنها برخی از شاخص‌های متمایزکننده‌ی آن مورد را لحاظ کند؛ آن را حد ناقص می‌گویند (۲).

حال اگر تعریفی مشتمل بر اجزای ماهیت یک شیء نبوده، از گنه ذات آن پرده بر نداشته، تنها احکام و عوارض یک مفهوم را روشن کند، تعریف به رسم خواهد بود. در این صورت اگر این تعریف، مشتمل بر عوارض اختصاصی آن مفهوم و هم‌چنین جنس قریب یا عرض عام آن مفهوم باشد، رسم تام خواهد بود و اگر تنها دربرگیرنده‌ی عرض خاص شی باشد، رسم ناقص است (۲).

در تعریف به تمثیل مصادیقی از مفهوم ذکر می‌شود، تا ذهن از میان آن‌ها به تشخیص حدود و مرزهای مفهوم برسد.

در تعریف به تشبیه، از مفهومی که داری شباهت با مفهوم مجهول است، ولی خود آن برای فرد، معلوم است، استفاده می‌شود تا تصویری از مفهوم در ذهن شنونده ایجاد شود. با توجه به آن چه گذشت، تعریف به تمثیل و تعریف به تشبیه را می‌توان در تعریف به رسم جای داد (۸).

شایان یادآوری است که در برخی از منابع، از گونه‌ی دیگری از تعریف به نام تعریف به استقراء نیز یاد شده است که در آموزش به مبتدیان مورد استفاده قرار می‌گیرد. نویسنده پیش از بیان تعریف یک شی یا مفهوم، مثال‌هایی را ذکر می‌کند تا شنونده خود معنای آن را دریابد (۳).

ویژگی‌های «تعریف»

برای یک تعریف قابل اعتماد، ویژگی‌هایی لازم است. Copi و Cohen قاعده‌ای را جهت ارزیابی میزان موفقیت تعریف به جنس و فصل لحاظ کرده‌اند:

- ۱- تمرکز بر شاخص‌های اصلی
- ۲- اجتناب از دور
- ۳- استفاده از کلمات مرتبط و صحیح
- ۴- اجتناب از کنایه و بیان مبهم
- ۵- استفاده‌ی بیش‌تر از بیان مثبت و تأکیدی در تعریف، به‌جای الفاظ منفی (۱۱).

تعریف مطلوب از لحاظ جزئیات و وسعت باید متناسب با نیاز اطلاعاتی خواننده باشد که این خود وابسته به علت و جرایبی نیازمندی او به این اطلاعات است (۱۵).

John Locke و John Stuart Mill بر این باورند که تعریف مناسب، تعریفی است که انفرادی نباشد (۴). ارسطو ویژگی یک تعریف خوب را نشان دادن ماهیت مورد تعریف می‌داند (۴). هم‌چنین، افزون بر بیان ماهیت، تعریف باید در برطرف کردن ابهام‌های آن شی نیز مؤثر باشد (۵). در منابع کلاسیک منطقی برای این‌که معرف (شناسانده) وظیفه‌ی خود را در شناساندن و روشن ساختن معرف انجام دهد، رعایت چند شرط لازم شمرده شده است:

¹ D'efinition essentielle

² D'efinition descriptive

- ۱- کلیت معرفت نباید بیش‌تر از معرفت (اعم) باشد تا شامل افراد دیگر نشود.
- ۲- معرفت نباید محدودتر (اخص) از معرفت باشد تا شامل همه‌ی افراد معرفت بشود. بر این اساس، تعریف باید جامع و مانع باشد، یعنی تمام افراد معرفت را شامل شود و سایر افراد را در بر نگیرد.
- ۳- معرفت نباید مابین با معرفت باشد.
- ۴- معرفت باید واضح‌تر (اجلی) از معرفت باشد، پس نمی‌شود شی را به خودش (مساوی) یا به چیزی غیر واضح‌تر (اخفی) تعریف کرد.
- ۵- در تعریف از مجاز، استعاره و کلمات نامأنوس (غریب) نباید استفاده کرد (۸).

ارزیابی چند تعریف اخلاق پزشکی

- تاکنون تعریف‌های مختلفی از اخلاق پزشکی ارائه شده، اما کم‌تر به این نکته توجه شده است که آیا این تعریف‌ها با معیارهای مطرح در دانش منطق برای درستی تعریف سازگار است یا نه. در این قسمت بر آن هستیم ضمن نقل تعریف‌های مختلف، آن‌ها را از نگاه دانش منطق، مورد ارزیابی قرار دهیم.
- ۱- رفتار و اصول اخلاقی حاکم بر اعضای حرفه‌ی پزشکی (۱۶). آن گونه که ملاحظه می‌شود این تعریف شامل همه‌ی حوزه‌های اخلاق پزشکی نبوده، به عبارتی تعریف در این‌جا، اخص از معرفت است (۹). افزون بر این که رفتار و اصول اخلاقی حاکم بر شاغلان حرفه‌ی پزشکی، خود نیازمند تعریف است.
- ۲- بحث و به‌کارگیری ارزش‌ها و مسؤولیت‌های اخلاقی در حوزه‌ی اعمال و تحقیقات پزشکی (۱۷). روشن است که در این تعریف، افزون بر ابهام در معنای سه واژه‌ی بحث، ارزش و مسؤولیت، عبارت به‌کارگیری مسؤولیت نامفهوم بوده، می‌بایست از آگاه‌سازی نسبت به مسؤولیت‌ها و چگونگی پابندی به آن‌ها سخن به میان می‌آمد.
- ۳- اخلاق پزشکی اجتناب از ضرر و صدمه نیست، بلکه مجموعه‌ی هنجارها، ارزش‌ها و اصولی است که سبب حاکمیت رفتار اخلاق پزشکی می‌شود (۱۸). این تعریف از جمله تعریف‌های یک شیء به خود آن شیء است (تعریف دوری)، زیرا اخلاق پزشکی به حاکمیت رفتار اخلاق پزشکی تعریف شده است؛ افزون بر این، عبارت رفتار اخلاق پزشکی مفهوم و معنایی ناروشن دارد. هم‌چنان‌که واژگان هنجارها، ارزش‌ها و اصول خود نیازمند معنا هستند و باید مشخص شود چه تفاوتی میان هنجار، ارزش و اصول وجود دارد. استفاده از عبارت منفی اخلاق پزشکی اجتناب از ضرر و صدمه نیست هم مناسب نبوده، باید به جمله‌ای مثبت تبدیل شود، ضمن این‌که وظیفه‌ی اخلاق پزشکی تنها اجتناب از ضرررسانی نیست، نه این‌که در اخلاق پزشکی از ضرررسانی بحثی نمی‌شود.
- ۴- اخلاق پزشکی مجموعه‌ی منظمی از ارزیابی اعمال از نظر شایستگی‌ها، خطرزایی و مسؤولیت اجتماعی در حوزه‌ی پزشکی است (۱۹). نکته‌ی مثبت این تعریف، اشاره به رعایت مجموعه‌ی منظم (discipline) در تعریف اخلاق پزشکی است که تأکیدی بر وجود ارتباط نظام‌مند بین تمام عناصر وابسته به این حوزه دارد. با این وجود، این تعریف دربرگیرنده‌ی تمامی حوزه‌های اخلاق پزشکی نیست، زیرا تنها جنبه‌ی ارزیابی را در نظر گرفته، از سایر وظایف اخلاق پزشکی، از جمله تعیین راهنماهای اخلاقی غفلت شده است. هم‌چنین، به سودرسانی به‌عنوان یک شاخص برای ارزیابی، در برابر ضرر نرسانی، اشاره نشده و تعریف اخص از معرفت است (۹). واژه‌ی شایستگی نیز نمی‌تواند این کمبود را جبران کند، زیرا هر کار سودمندی الزاماً

همچنین به بعد، زیادی است، زیرا رفتار حرفه‌ای مناسب نسبت به حقوق و وظایف بیماران، چیزی جز فعالیت پزشکان در مراقبت از بیماران نیست. افزون بر این، برای کوتاه کردن تعریف، می‌توان به‌جای استفاده از سه واژه‌ی پزشکان، بیماران و سایر کادر درمانی از عبارت افراد مؤثر در فرایند درمان استفاده شود.

اخلاق پزشکی به‌عنوان یکی از شاخه‌های کاربردی اخلاق و فلسفه‌ی اخلاق است (۲۳). بر اساس این تعریف، اخلاق پزشکی زیر شاخه‌ی اخلاق کاربردی و فلسفه‌ی اخلاق دانسته شده است با این‌که اخلاق کاربردی شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است و اخلاق هنجاری در برابر فلسفه‌ی اخلاق (فرااخلاق) قرار دارد. افزون بر این، این تعریف را برای تمامی مشاغل و حرفه‌ها می‌توان به‌کار برد و اختصاص به اخلاق پزشکی نداشته، هیچ ابهامی را از دانش اخلاق پزشکی بر طرف نمی‌کند و ما را با ساحت‌های مختلف آن آشنا نمی‌سازد.

اخلاق پزشکی یک بخش جدایی ناپذیر از ساختار تصمیم‌گیری پزشکی است و بدون شک همواره به‌عنوان یک ملاحظه‌ی مهم در اقدامات پزشکی است (۲۴). در این تعریف تنها بر جنبه‌ی تصمیم‌گیری اخلاقی توجه شده است با این‌که مباحث اخلاق پزشکی همیشه ناظر به تصمیم‌گیری نیست و معرف اخص از معرف است (۹).

اخلاق پزشکی فرمی از اخلاق تخصصی است که در ارتباط با کاربرد اصول کلی مربوط به مسائل اخلاقی حرفه‌ی پزشکی است (۲۵). مهم‌ترین ایراد این تعریف، نامفهوم بودن آن است. اخلاق تخصصی چیست که اخلاق پزشکی فرمی از آن است؟ منظور از فرم چیست؟ اصول کلی مربوط به مسائل اخلاقی

شایسته نیست.

شاخه‌ای از اخلاق کاربردی که به مطالعه‌ی ارزش‌ها و قضاوت‌های اخلاقی مرتبط با اقدامات درمانی می‌پردازد (۲۰). این تعریف به لحاظ عدم تبیین مفاهیم ارزش و قضاوت اخلاقی مبهم است و تا منشأ این ارزش‌ها و معیار این قضاوت‌ها معلوم نشود، این ابهام از بین نمی‌رود.

چارچوب‌های هنجاری و قوانین اخلاقی تسهیل‌کننده جهت اولویت‌گذاری مسؤلیت اقدامات حرفه‌ای پزشکی (۲۱). در این تعریف چارچوب هنجاری که به عرف و اخلاقیات^۱ باز می‌شود در کنار قوانین اخلاقی که تنها ناظر به حوزه‌ی اخلاق هستند، در کنار هم قرار گرفته‌اند، در حالی که می‌بایست از هم متمایز می‌شدند و کلمات مرتبط با هم به‌کار می‌رفتند (۱۱). همچنین، به مسؤلیت اخلاقی هم توجه نشده است. عبارت قوانین اخلاقی هم از نظر معنایی ابهام دارد. اما توجه به جنبه‌ی هنجاری و عرفی در راهنماهای اخلاقی که نشانگر تأثیر عوامل فرهنگی بر راهنماهای اخلاق پزشکی است نکته‌ی مثبتی در این تعریف است.

اصول رفتار حرفه‌ای مناسب درباره‌ی حقوق و وظایف پزشکان، بیماران و سایر کادر درمانی؛ همچنین، فعالیت‌های پزشکان در مراقبت از بیماران و در ارتباط با خانواده‌ی آن‌ها (۲۲). هرچند در این تعریف بر حرفه و حرفه‌ای بودن، همچنین وظایف و حقوق در اخلاق پزشکی توجه شده است، اما باید بر رابطه‌ی متقابل وظایف و حقوق به‌عنوان شاخص اصلی توجه می‌شد (۱۱)، به گونه‌ای که نه تنها ناظر بر حقوق پزشک، بلکه بر وظایف بیمار هم دلالت کند. افزون بر این، قسمت دوم تعریف از کلمه

^۱ Morality

حرفه‌ی پزشکی چیست؟ افزون بر همه، این تعریف دوری است زیرا در تعریف اخلاق پزشکی، از خود اخلاق حرفه‌ای پزشکی استفاده شده است.

- اخلاق پزشکی در ارتباط با موارد اخلاقی مطرح در تصمیمات پزشکی و نوآوری‌ها در روش‌های درمانی و پیشگیری از بیماری‌هاست (۲۶). آن‌گونه که ملاحظه می‌شود، این تعریف هیچ مفهوم روشنی را از اخلاق پزشکی ارائه نمی‌دهد. منظور از موارد اخلاقی چیست که قرار است در تصمیم‌های پزشکی و سایر حوزه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. هم‌چنین، چگونگی رفتار پزشک و بیمار که از جمله مباحث اخلاق پزشکی است، در این تعریف لحاظ نشده است. از این رو، این تعریف دربرگیرنده‌ی تمام زوایای اخلاق پزشکی نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه، اخلاق پزشکی به‌عنوان یک علم مطرح است. پیش از پرداختن به طرح و حل مسائل هر علم، نیازمند شناخت مبادی آن هستیم. علمای اخلاق پزشکی در بیان چیستی آن دیدگاه‌های متفاوت دارند، این چندگانگی نشان از ابهام در تعریف این علم است.

منطق‌دانان و روش‌شناسان نیز درباره‌ی چیستی، نقش و اقسام تعریف، اختلاف نظر دارند. عمده‌ترین اختلاف در بیان نقش و هدف تعریف است. انتظار ما از تعریف می‌تواند یکی از این پنج مطلب باشد:

- ۱- ترسیم همه‌ی ماهیت شی
- ۲- تمایز کامل به‌نحو جامع و مانع
- ۳- تمایز از امور متشابه و متشابه
- ۴- بیانگر علل شی
- ۵- تحلیل مفهوم (۱۴).

در حال حاضر، تعاریف مختلفی از اخلاق پزشکی ارائه شده، اما هیچ‌کدام انتظارات قیدشده‌ی مذکور را بر آورده

نمی‌کنند.

سیر صعودی پیشرفت‌های نوین علم پزشکی، موجب پدید آمدن حوزه‌های مختلفی در اخلاق پزشکی شده است؛ از این رو، ضروری است با ارائه‌ی تعریف دقیقی از اخلاق پزشکی، محدوده‌ی این علم و حوزه‌های عملکردی آن کاملاً مشخص شود.

اهمیت اخلاق پزشکی، سبب شده تا اندیشمندان درگیر با این حوزه، با رویکردهای مختلف و با توجه به نوع مسائلی که با آن روبه‌رو هستند، اقدام به تعریف آن کرده، به میزان دقت این تعریف‌ها توجهی نداشته باشند. تعریف با مفاهیم مبهم ظاهراً تعریف است؛ اما حقیقتاً سؤال از چیستی را پاسخ نمی‌دهد.

از سوی دیگر، مباحث مستحده‌ی پزشکی، معضلات اخلاقی نوینی را مطرح می‌کند که لازمه‌ی پرداختن به آن‌ها تنها از طریق تحقیق گسترده در حوزه‌ی اخلاق پزشکی میسر می‌شود و در این راستا کم‌تر محقق‌ی را می‌توان یافت که به‌نحوی با مفهوم سازی پیوندی نداشته و از مذاقه در تعریف مفاهیم بی‌نیاز باشد.

در آمیختن مسائل یکی از آفات تحقیق است. تشخیص این‌که در مقام پاسخ به چه سؤالی هستیم (سنخ‌شناسی مسأله) و در این سؤال دقیقاً چه امری را طلب می‌کنیم (محتواشناسی مسأله) از نخستین گام‌های تحقیق روشمند است، زیرا بر اساس تصورمان از مضمون، نقش و کارکرد مسأله به‌گزینش روش، رهیافت و ابزارهای مناسب مبادرت می‌کنیم (۱۴).

اخلاق پزشکی به‌عنوان نوعی از اخلاق کاربردی هنجاری، به دنبال جست‌وجوی راهکارهای مؤثر برای رفع معضلات اخلاقی حاصل از پیشرفت‌های نوین علم پزشکی است. از آن‌جا که علم پزشکی در حال تغییر و تحول است، اخلاق پزشکی نیز باید همراه و هم‌سو با آن حرکت کند، لذا این پویایی و تعادل باید در تعریف آن لحاظ شود و این در حالی است که در بیش‌تر تعریف‌های مطرح این ویژگی نادیده

منابع

- 1- Anonymous. Question. <http://en.wikipedia.org/wiki/Question>. (accessed in 2013)
- ۲- مطهری م. مجموعه آثار، چاپ چهارم. تهران: انتشارات آگاه؛ ۱۳۸۰، جلد ۵، ص ۶۳.
- ۳- نظرنژاد ن. ماهیت و انواع تعریف، چاپ اول. تبریز: مؤسسه تحقیقات علوم اسلامی انسانی دانشگاه تبریز؛ ۱۳۸۱، ص ۳۹-۳۰.
- 4- Anonymous. Definition. <http://en.wikipedia.org/wiki/definition>. (accessed in 2013)
- 5- Caughill G. Definition - Socratic Logic - Greg Caughill. <http://www.gregcaughill.com/philosophy/item/32-socratic-logic-definition>. (accessed in 2013)
- ۶- هاسپرس ج. درآمدی بر تحلیل فلسفی، ترجمه اکرمی م، چاپ اول. تهران: طرح نو؛ ۱۳۷۹، ۵۵-۴۹.
- 7- Kuhse H, Singer P. A Companion to Bioethics, 2nd editin.UK: Wiley-Blackwell; 2009, p. 4-6.
- ۸- خوانساری م. منطق صوری. چاپ سوم. تهران: انتشارات آگاه؛ ۱۳۵۹، ص ۷-۱۶۴.
- 9- Khaghanizadeh M, Maleki H, Abbasi M, Abbasipour A, Mesri M. The challenges of medical ethics curriculum: a qualitative study of instructors. Iran J Med Ethics Hist Med 2012; 5(2): 70-9.
- ۱۰- مصباح یزدی م. آموزش فلسفه. چاپ اول. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۶۴، جلد اول، ص ۸۰.
- 11- Anonymous. Definition and meaning. <http://www.philosophypages.com/lg/e05.htm> (accessed in 2103)
- ۱۲- مظفر م. منطق. ترجمه صانعی دره بیدی م، رحمتی ا، حمیدزاده م، چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت؛ ۱۴۰۴، ص ۱۲۵، ۱۱۹.
- 13- Anonymous. Chapter Three - puffin. creighton.edu. <http://puffin.creighton.edu/yuan/logic/Outline/Log>

گرفته شده است. بنابراین، در تعریف اخلاق پزشکی توجه به تحولات پیش روی دانش پزشکی ضروری است؛ از این رو، ساختار تعریف باید از چنان انعطافی برخوردار باشد تا حوزه‌ها و مسائل قابل طرح در آینده را نیز در بر گیرد.

ماهیت بین‌رشته‌ای بودن اخلاق پزشکی، توجه به پرداختن به شاخصه‌های آن در تعاریف را ضروری می‌کند. قبل از پرداختن به نقد و داوری نظریات اخلاق پزشکی باید برای فهم کامل و دقیق آن تلاش کنیم و بیش از جست‌وجوی دلیل یک مدعا، سعی کنیم مفاهیم کلیدی آن را به صورت روشن تعریف کنیم.

فهم و درک صحیح یک علم و القای آن به دیگران تنها از عهده‌ی اهل فن و نظریه‌پردازان مربوطه بر می‌آید؛ در غیر این صورت، تعاریف ناقص، بی‌محتوا و سلیقه‌ای خواهد بود، بنابراین، به‌واسطه‌ی ماهیت بین رشته‌ای علم اخلاق پزشکی، باید در تعریف اخلاق پزشکی این جهت مورد توجه قرار گرفته و با توجه به نوع ارتباط این دانش با سایر علوم اقدام به تعریف آن کرد.

در پایان یادآور می‌شود که تعاریف بیان شده از اخلاق پزشکی ارزش یکسانی نداشته و ناگزیر یکی بر دیگری ترجیح دارد. حال با چه روشی می‌توان از تعریف مرجح دفاع کرد؟ اگر نتوانیم از تعریف ترجیح داده شده دفاع کنیم، گویی باز حکم به یکسانی صحت آن تعاریف کرده‌ایم. بنابراین، لازم است شیوه‌ی ارزش‌گذاری تعریف و روش‌های دفاع از آن را بررسی کرد.

لازم است با مبنا قراردادن یک روش خاص از روش‌های مطرح در علم منطق برای ارائه‌ی تعریف، اخلاق پزشکی را تعریف کرد تا ضمن فراگیری همه‌ی ساحت‌های این دانش و عدم شمول موارد غیرمرتبط (جامع و مانع)، ارتباط منطقی این دانش با سایر شاخه‌های علم اخلاق، هم‌چنین، دانش پزشکی مشخص شود.

- 20- Anonymous. [Medical Ethics? - Ask.com](http://www.ask.com/question/what-does-ethics-mean-in-a-medical-procedure). <http://www.ask.com/question/what-does-ethics-mean-in-a-medical-procedure>. (accessed in 2013)
- 21- Anonymous. [The history of medical ethics](http://www.ehow.com/about_5572014_history_medical-ethics.html). http://www.ehow.com/about_5572014_history_medical-ethics.html. (accessed in 2013)
- 22- Anonymous. [Medical ethics - Definition - Mondofacto](http://www.mondofacto.com/facts/dictionary?query=medical+ethics&action=look+it+up). <http://www.mondofacto.com/facts/dictionary?query=medical+ethics&action=look+it+up>. (accessed in 2013)
- 23- Campbell A, Gillett G, Joines G. *Medical Ethics*, 3rd ed. Oxford University Press; UK: 2001, p. 2.
- 24- Lowey EH. *Text Book of Medical Ethics*, first ed. Plenum Publishing Corporation; USA: 1989, p. 2.
- 25- Mcfadden C J. *Medical Ethics*, 5th ed. Davis Company; UK: 1967, p. 3.
- 26- Snedden R. *Medical Ethics Changing Attitudes 1900-2000*, first ed. Wayland; UK: 1999, p. 4.
- icCh3.htm.(accessed in 2013)
- ۱۴- فرامرز قراملکی ا. روش شناسی مطالعات دینی. چاپ اول. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ ۱۳۸۰، ص ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۵۴.
- 15- Anonymous. Types of definition. <http://ol.scc.spokane.edu/jstrever/tw/resources/define.htm>. (accessed in 2013)
- 16- Anonymous. Medical ethics. <http://medical-dictionary.thefreedictionary.com/medical+ethics>. (accessed in 2013)
- 17- Anonymous. [Medical Ethics Introduction - eNotes.com](http://www.enotes.com/topics/medical-ethics/viewpoints). <http://www.enotes.com/topics/medical-ethics/viewpoints>. (accessed in 2013)
- 18- Elsayed DEM, Ahmed REM. Medical ethics: what is it? Why is it important? *Sudaness J Public Health*. 2009; 4(2): 284-7.
- 19- Anonymous. [Medical ethics - Definition | WordIQ.com](http://www.wordiq.com/definition/Medical_ethics). http://www.wordiq.com/definition/Medical_ethics. (accessed in 2013)

Definition of medical ethics: dos and don'ts

Saeed Nazari Tavakoli¹, Nasrin Nejad sarvari*²

¹ Assistant Professor, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran;

² PhD Candidate in Medical Ethics, Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences & Imam Khomeini Hospital Complex, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Moral dilemmas caused by modern diagnostic and therapeutic advances in medical science have increased the need to address medical ethics a hundredfold. Medical ethics is a "science", so the method needs scientific work. In order to achieve the objectives of any science, we need to define and resolve the ambiguities surrounding it. Notwithstanding the definitions presented in conjunction with the science of medical ethics, still some issues remain unclear about it.

An important part of our knowledge consists of the answers to what things are, and that is nothing but definitions. Definitions comprise the bulk of our perceptions and therefore need to be employed.

This review article is the result of a descriptive study. The data were collected through studying credible textbooks and searching internet resources and related articles. While emphasizing the need to clarify the definition of science and characteristics of logical definition, this paper evaluates some of the definitions of medical ethics and by showing their weak points, notes that there is a need for a logical definition of this science and the necessary considerations

Keywords: medical ethics, ethics, definition

*Email: n-nejadsarvari@farabi.tums.ac.ir